

هم بنایی می‌کردم، هم تمرین

می‌گوید: فوتبالیست‌های قدیم همه سختی کشیده بودند. خود من، هم تمرین می‌کردم و هم بنایی با سنگ‌کاری ساختمان. با همه وجودم کار می‌کردم تا یک جفت کفش چمن برای خودم بخرم. حالا بچه‌ها ماشین‌های آخرین مدل سرتمرین می‌آیند؛ معلوم است که این بچه‌ها در تمرینات پرفشار کم می‌آورند و شما نمی‌توانی به آن‌ها بگویی بالای

چشم‌ت ابروست! صاحبی ادامه می‌دهد: اینکه شهری با ثروت مشهد که تا همین چند سال پیش دو تیم در لیگ برتر داشت، حالا حتی در دسته اول و دوم تیم ندارد، فقط علتش مدیران ناکارآمد است و تا این دوستان باشد، پاشنه بر همان در می‌چرخد.

حالا مدرک مربیگری A آسیا دارد و در تیم‌های پیام خراسان، پالایشگاه گاز سرخس، امیدهای پدیده، علم و ادب آذربایجان و باشگاه فرهنگی و ورزشی جامع قائنات مربیگری کرده است. تمام دغدغه او در این سال‌ها تربیت نسل جدید فوتبال برای مشهد است. او دو چیز را عامل تباهی فوتبال مشهد می‌داند، یکی پول زیاد و دیگری مدیران ناکارآمد.

تیم ملی تاکی باید به علی دایی متکی باشد؟!

۲۲ خرداد سال ۷۹ بود که روزنامه خبرورزشی با این تیتر روی بچه‌های مطبوعات تهران قرار گرفت: «تیم ملی باید تاکی به علی دایی متکی باشد؟!»: تیتری که اشاره داشت به حکایت‌های پیش آمده در اردوی تیم ملی فوتبال ایران در سال ۱۳۷۹ که در جریان آن رضا صاحبی، فورواردر و فرزند تیم ذوب آهن از تیم ملی خط خورد و از حضور در مسابقات جام ملت‌های آسیا در سال ۲۰۰۰ جاماند. رضا صاحبی در آن گفت و گوی به خبرنگار گفته بود: «من انتخاب شده بودم. فردا صبح پرواز داشتیم به لبنان که سرپرست تیم آمد و یک پاکت به من داد. اولش فکر کردم پول توجیبی است اما بعد که پاکت را باز کردم، دیدم بلیت برگشت به ایران است. عصر جمعه بود و من غمگین‌ترین عصر جمعه زندگی‌ام را سپری کردم.» نویسنده در این گزارش می‌نویسد: «رضا صاحبی مهاجم زهرداری است که هر سال گل‌های حساسی را برای تیمش به ثمر می‌رساند و معمولاً جزو سه گل‌زن برتر لیگ به حساب می‌آید. اما تاکنون این شانس را نداشته که با ترازوی عدل مربیان تیم ملی سنجیده شود! باز هم مربیان تیم ملی به راحتی به او انگ پیری زدند و از کنار نامش گذشتند و آب هم از آب تکان نخورد.»



خودمونی با رضا صاحبی

- زیباترین گلی که زدی؟ گل قیچی برگردان به فجر سپاسی.
- بهترین جمله‌ای که از یک گزارشگر فوتبال درباره خودت شنیدی؟ اگر در محوطه جریمه توپ گیر صاحبی بیفتد، باید آن را گل حساب کرد.
- بهترین لقبی که از خودت شنیده‌ای؟ گربه سیاه سرخ‌آبی‌ها.
- بهترین تیتری که درباره‌ات نوشته‌اند؟ صاحبی، استاد ضد حمله.
- پرسپولیسی هستی یا استقلال‌ی؟ از قدیم، خانوادگی به پرسپولیس گرایش داشتیم.
- آیا از قرمز و آبی هم پیشنهاد داشتی؟ دوباره، یکی سال ۷۵ و یک بار هم سال ۷۹ با علی پروین برای پیوستن به پرسپولیس صحبت کردم، اما قسمت نشد.
- بهترین بازیکن‌های تاریخ فوتبال مشهد؟ مهدی عسگرخانی بهترین دروازه‌بان، محمد اعظم بهترین مدافع، احمد حامد بهترین هافبک و خداداد عزیز بی بهترین مهاجم.
- بهترین تماشاگران ایران؟ طرفداران پیام.
- بهترین هم بازی؟ رضا استواری (ذوب آهن).
- بهترین مربی که داشتی؟ مرحوم ناصر حجازی.
- بهترین تشویق هواداران؟ صاحبی بیتو.
- بیشترین قراردادی که داشتی؟ ۲۲ میلیون با ذوب آهن.
- چند بازی ملی داری؟ یک بازی مقابل کویت که هشت دقیقه در میدان بودم.

«صاحبی بیتو» هت تریک می‌کند

هفته ششم لیگ دسته اول کشور در سال ۱۳۷۵، جام آزادگان بین تیم‌های پیام خراسان و سپاهان اصفهان در ورزشگاه تختی برگزار می‌شود. هر کدام از دو تیم که بازی را ببرند، صدرنشین لیگ می‌شوند. علیرضا احمدی، خبرنگار آن سال‌های روزنامه ابرار ورزشی، درباره این بازی می‌نویسد: «این روزها پیام خراسان ترکیب خود را با همان شیوه ۲-۴ شناخته و برابر حریفان با سرعت دادن به بازی و با استفاده از فرارهای تند و تیز رضا صاحبی و دوندگی دیگر یاران خود مقابل حریفان قرار می‌گیرد.»

۱۰ هزار نفر در ورزشگاه تختی بودند و مدام تیم شهرشان را تشویق می‌کردند: «بیامته، بیامته، بازی مساوی پیش می‌رفت تا اینکه دقیقه ۶۸ کرنلی روی دروازه سپاهان ارسال می‌شود و رضا صاحبی گل اول تیمش را به ثمر می‌رساند. ورزشگاه روی هوا می‌رود. صدای طرفداران تیم سبز و سفید پوش مشهد یک لحظه هم قطع نمی‌شود. سپاهانی‌ها تابه خودشان می‌آیند، گل دوم و سوم را هم دریافت می‌کنند؛ زننده

گل‌های پیام باز هم رضا صاحبی است. او هت تریک می‌کند و در جدول گل‌زنان لیگ، ۶ گله می‌شود. پیام هم صدرنشین لیگ می‌شود. همه ورزشگاه یک صدای گویند «صاحبی بیتو، صاحبی بیتو».

